



میتاق

میتاق

نشریه ادبی میتاق

سال دوم / شماره هفتم / مرداد ماه ۱۴۰۱

دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

این نامه چمن است، لیلیک ما کجایید؟



گاہنامہ ادبی فرهنگی میثاق

صاحب امتیاز: کانون شعروادب

سردبیر: ہنگامہ علیرضائی

مدیر مسؤل: فیروزہ استخری

طراح: علی شاکر

ہیئت تحریریہ: سپیدہ خادمی، احمد رضا صفر زادہ، فیروزہ استخری

فرناز تقی پور، علیرضا جعفری

ادرس: استان فارس، شهرستان داراب، خیابان دانشجو

دانشگاہ ازاد اسلامی واحد داراب، تشکل دانشجویی گام دومی ها

شمارہ تماس روابط عمومی نشریہ: ۰۹۱۷۶۷۵۵۲۳۹





اصلا حسین جنس غمش فرق می کند

پدرم داستان های زیادی از تاریخ و زندگی های اساطیری و امامان برایم تعریف کرده است، اما هرچه می گزدم کسی را نمی یابم که مانند امام حسین، زن، فرزند و خانواده اش را نثار راه حق کرده باشد.

تنها اوست که با ایثارگری فراوان، در پیش چشم خودش نوزاد شیرخواره اش را با گلوی پاره فدایی اسلام کرد.

او که با شجاعت بسیار در مقابل دشمنان سر خم نکرد، او که خود شاهد اسارت خواهر و عزیزانش بود، برادر سرو قامتش را داد، جوان رعنا و رشیدش را به میدان فرستاد، به همین خاطر است که می گویند: اصلا حسین جنس غمش فرق می کند.

محرم که می آید دل ها پر می کشد به سمت حرم، گویی همه هوایی شده اند و کسی تاب ماندن در زمین را ندارد.

جهان از غم سنگین حسین، در تلاطم است. انقدر سنگین که بعد از گذشت سالها هنوز کهنه نشده است.

و اما باشد که ما درس فداکاری و ایثار را از امامان بیاموزیم. او رفت تا به ما بگوید گاهی باید همه چیز را بدهی، از تمام دارایی هایت بگذری تا آنچه برای بقای انسانیت لازم است، بماند.

سپیده خادمی

سلام می کنیم بر محرمش که از کودکی تا اکنون یادش ما را ره — نمی کند
سلام می کنیم بر حسین (ع) از دل تاریکی های شب های عاشورای کودکی
مان تاکنون که عشقش اسیرمان کرده است
سلام می کنیم و بر غربت و قرابت حسین (ع) از مدینه تا کربلا
سلام می کنیم بر حال و هوای محرم که با همه فرق می کند
سلام بر شه مظلوم عالم
(سلام بر دل های شوریده از عشق حسین (ع)
(سلام بر نواهای دل انگیز یا حسین (ع)
(سلام بر سینه های سوخته از عشق حسین (ع)
سلام بر لب تشنه ی حسین (ع)، که تشنه ی آب نبود، تشنه ی لبیک بود
سلام بر شبی که حسین (ع) وداع کرد با آن هایی که مرگ را واهمه داشتند
سلام بر عزاداران حسین (ع) که راه او، هم عزادار می خواهد و هم پیرو
و ما عزای حسین (ع) را برای لبیک به ندای «هل من ناصر ینصرنی» ابا عبدالله است که برپا می کنیم
جوشش خون حسین (ع) در نینوا شیعیان را به خروش می آورد. مرگ سرخ
نو آینده ی سیاه بشریت را، عاشقان را، شیعیان را سفید کرد
نو زاده ی عشقی، و خوب هم هنر خوب زیستن را و خوب مردن را به عاشقان
آموختی
رستگاری دو عالم را در عشق به تو یافتیم و این عشق ما را از تن دادن به هر
ذلتی دور می دارد

حداقلش همین است که محرم، عاشورایت و پرچم های سیاه و سرخ که می آید، وداع می کنیم با هر چه پلیدی است که ما را گرفتار خود کرده است.
محرم فرصتی است از عشق او سیراب شویم، رذالت ها را کناری بگذاریم، چند صبحی آدمیت را تجربه کنیم که تو خواهان آن بودی
و تو هر سال که محرم می شود، زنده می شوی تا همان فریاد را سر دهی که آیا کسی هست مرا یاری کند؟

و آنگاه که ظهر عاشورا می رسد نظاره می کنی که لبیک گویان کم شده اند یا زیاد؟! و باز شهید می شوی تا دل خون تو، دل های جا مانده از قافله را... بسوزاند

شیعه ی حسین (ع) بودن را اگر می خواهیم، باید آن گونه زندگی کردن و این گونه مرگ را برگزینیم. به این آگاهی که رسیدیم همه ی روزها عاشورا ست و همه ی زمین ها کربلاست

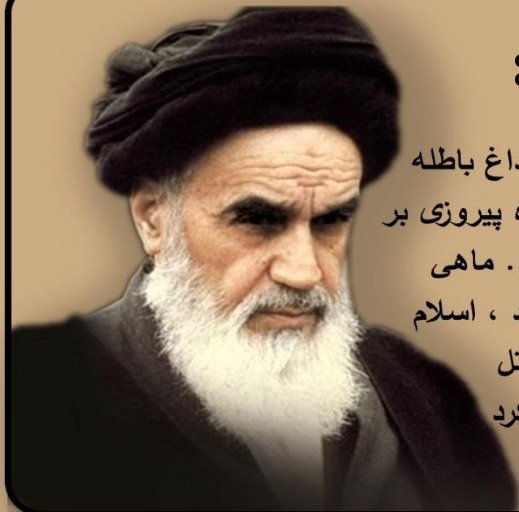
حسینی زیستن، حسینی به دیدار معبود و معشوق شتافتن، راهش همین است
رسم دنیاست. همیشه حق عاشق این بوده است. این عاشق کشی تا قیام منتقم پا
بر جاست. حسین همیشه تاریخ را سیراب کرد

ای سیراب شدن از برای همه نیست بلکه
...عشق □ می خواهد و لبیک □
به یاد او و در ایام بزرگداشتش که پیش از آنکه به اندیشه و آرمانش بیاندیشند
و بیاندیشیم در فراق او و بر جسم به خون غلطیده و بی جان او به فغات و گریه
...پرداختیم و او را آنگونه که در شأن اوست نشناختیم
به امید اینکه به اصل راه امام حسین (ع) که عزت، شرف، آزادگی، کمال طلبی
...و عدالت و معنویت است بیویندیم

باعث افتخار است که وقت گرانبهایتان را صرف مطالعه نشریه ادبی میثاق
... کردید

انشاءالله که امام حسین همراه همیشگی در تمامی مراحل زندگیمان باشد

سر دبیر
هنگامه علیرضائی



محرم و عاشورا از دیدگاه امام خمینی (ره) :

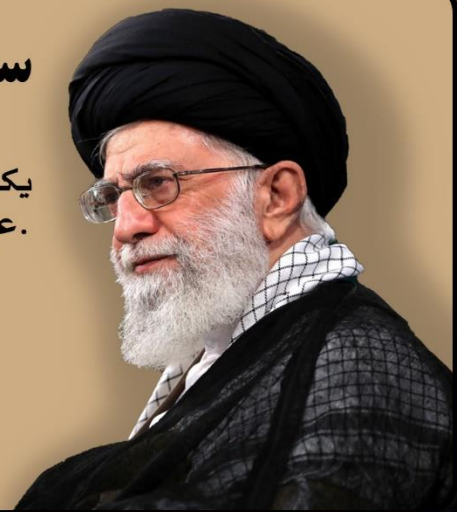
ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد . ماهی که قدرت حق ، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله ؛برجبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد . ماهی که به نسلها در طول تاریخ ، راه پیروزی بر سرنیزه را آموخت . ماهی که شکست ابر قدرتها را در مقابل کلمه حق ، به ثبت رساند . ماهی که امام مسلمین ، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ماآموخت . سید الشهداء را کشتند ، اسلام ترقی اش بیشتر شد . سید الشهداء - سلام الله علیه- با همه اصحاب و عشیره اش قتل عام شدند ، لکن مکتبشان را جلو بردند . شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد . زنده نگه داشتن عاشورا ، یک مساله بسیار مهم سیاسی - عبادی است .

سخن رهبر انقلاب درباره عزاداری سیدالشهدا:

یکی از بزرگترین نعمت ها ، نعمت خاطره و یاد حسین بن علی (ع) یعنی نعمت مجالس عزاء، نعمت محرم و نعمت عاشورا برای جامعه شیعی ماست

1373/3/17

ارسالی : فرناز تقی پور حقیقی



سخن رهبر انقلاب درباره عزاداری سیدالشهدا:

در ماه محرم، معارف حسینی و معارف علوی را که همان معارف قرآنی و اسلامی اصیل و صحیح است برای مردم بیان کنید

1372/3/26

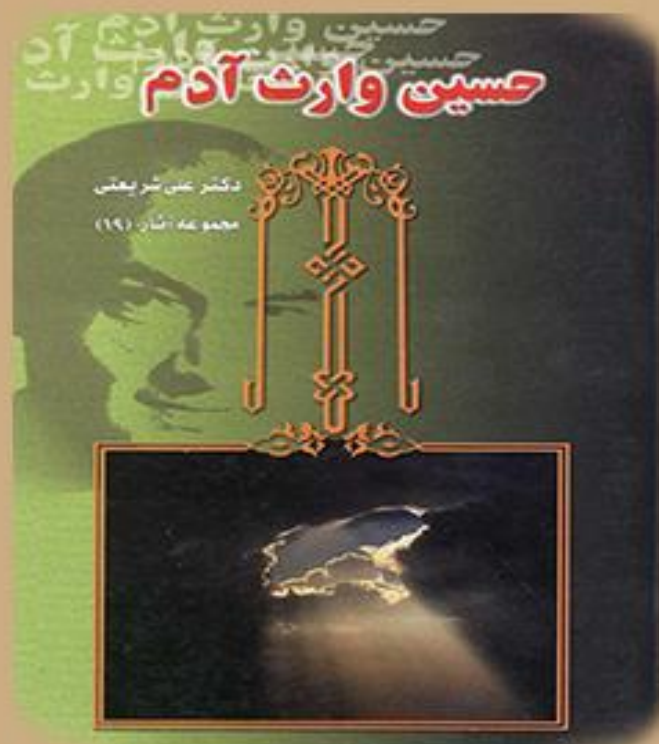
ارسالی: فرناز تقی پور حقیقی



معرفی کتاب

کتاب

حسین وارث آدم



زاویه ادبی و اجتماعی کتاب وارث آدم

حسین وارث آدم، کتابی از علی شریعتی، حاوی هشت سخنرانی ایرادشده در سالهای 1349 و 1350ش در حسینیه ارشاد. عنوان کتاب، از زیارت وارث الهام گرفته شده است. سخنرانی‌های این کتاب، ابتدا در جزوه‌های مستقل منتشر شده و بعدها در یک مجلد چاپ شده است. مرتضی مطهری، از نگاه تاریخی و فلسفه تاریخ انتقادهایی جدی به تحلیل شریعتی از واقعه کربلا وارد کرد و این کتاب را نوعی روضه مارکسیستی خواند.

به طور معمول به کتاب حسین وارث آدم از منظر تاریخی نگاه می‌شود و از این منظر پرسش اصلی پرسش از واقع‌نمایی و مطابقت با منابع و اسناد تاریخی است و نقد مرتضی مطهری نیز از نظر تاریخ و فلسفه تاریخ است ولی سید رضا شاکری به کتاب حسین وارث آدم از زاویه دید ادبی و اجتماعی نگریسته و به تبیین وجوه هرمنوتیک مقدمه سخنرانی حسین وارث آدم پرداخته است. او می‌گوید مقدمه سخنرانی حسین وارث آدم، یک اثر ادبی مستقل و نزدیک به یک متن نمایشی فرض شده که بر اساس پیرنگ و مولفه‌های آن، حامل آثار کارکردی در خواننده و عامل برانگیختن او به کنش اجتماعی است و نشانگر دغدغه‌های وجودی نویسنده در باب انسان و سرنوشت است.

عاقبت قاتلان حسین (ع) زرعه بن ابان بن دارم

از عناصر خیبت سپاه عمر بن سعد که در کربلا، مانع دسترسی حسین بن علی علیه السلام به آب شد

روز عاشورا سال ۶۱ هـ.ق، آن زمان که سپاه کوفه بر حسین علیه السلام حمله کرد و آن حضرت مانند شیر غران روبروی آنها قرار گرفت و شمشیر به آنان کشید و گروه زیادی را مانند برگ خزان بر روی زمین، ریخت، تشنگی زیادی بر او غالب شد، از این رو به طرف رود فرات روان شد هر چند که عمرو بن حجاج با چند صد سوار اطراف آنجا را محاصره کرده بودند

کوفیان می‌دانستند که اگر آن حضرت جرعه‌ای آب بنوشد این بار چندین برابر از آنها بکشد و بسیاری قلع و قمع کند

همین جا بود که «زرعه بن ابان از قبیله بنی دارم» دستور داد که میان حسین و آب فرات حایل شوید و مگذارید که او بر آب دست پیدا کند و خودش بر اسب سوار شد و مردم هم دنبال او رفتند تا بین حسین علیه السلام و آب مانع شدند

امام حسین او را نفرین کرد و فرمود: خدایا او را تشنه گردان.

زرعه خشمگین شد و تیری بر چانه آنحضرت زد امام علیه السلام تیر را بیرون کشید و دستش را زیر حنک (چانه) گرفت، هر دو دست از خون پر شد.

آنگاه گفت: خدایا از آن چه با پسر دختر پیغمبرت انجام می‌دهند سوی تو شکایت می‌کنم، خدایا آنها را یک به یک بشمار و بکش و پراکنده کن و یکنفر از آنها را باقی مگذار.

چیزی از این واقعه نگذشت که خداوند تشنگی را بر زرعه بن ابان، مسلط کرد و او هرگز سیراب نمی‌شد

پایان زندگی ننگین او؛

اکثر مقاتل نوشته‌اند که زرعه بن ابان، مدت کمی بعد از شهادت امام حسین علیه السلام زیست و بعد مبتلا به عطش شد به گونه‌ای که از سرما و گرما فریاد می‌زد گویا آتشی از شکمش شعله می‌کشید و پشتش از سرما می‌لرزید.

هر چه آب می‌خورد سیراب نمی‌شد!

آب را برای او سرد می‌کردند و با شکر مخلوط و پیای به او می‌دادند (شریبت بوده) ولی دانا فریاد می‌زد «آبم دهید»

یک کوزه آب به او می‌دادند، می‌خورد و کوزه دیگر می‌رسید و او بر پشت می‌افتاد و باز تشنه می‌شد و فریاد می‌کرد که تشنگی مرا کشت.

قاسم بن اصبع بن نباته روایت می‌کند که گاهی من از کسانی بودم که او را پرستاری می‌کردم و برای آرامش و تسکین او جدیت داشتم و آب سرد برایش می‌آوردند آمیخته با شکر و قح‌های پر از شیر و کوزه‌های پر از آب

او می‌گفت: وای بر شما، آب به من دهید که از تشنگی می‌میرم کوزه‌ها یا کاسه‌ای پر از آب به او می‌دادند که برای سیراب کردن یک خانواده کافی بود.

او می‌آشامید و همین که لب خود بر می‌داشت، لحظه‌ای دراز می‌کشید و مجدداً می‌گفت آبم دهید
اصبع می‌گوید: به خدا قسم چیزی نگذشت که شکمش مانند شکم شتر برآمد و ورم کرد و بعد ترکید و او هلاک شد!!

دل نوشته

بچه که بودیم ، با آمدن محرم حال و هوایمان میرفت به آنجا که نمیدانستیم
بعدها دلمان گیر می کند

بین آن دو بهشت که قرار است خودمان را جا بگذاریم و برگردیم
بزرگتر که شدیم همچنان شور و حال حسینی در ما شعله ور می شود
هرسال بعد از کلی انتظار ، شال عزای حسین را دور گردنمان می انداختیم و به هیئت محل میرفتیم ، آنجا دیگر کسی از
خستگی حرفی نمیزد، زنی را می دیدم گوشه ای از هیئت دست هایش را به آسمان دراز کرده بود و حسین حسین
میکرد

پیرمردی که با گریه های فراوان می گوید حسین جان اسم مرا در لیست زائرانت جا بده
استی تو مگر چند نفری که حواست به تمام خادمات هست؟
آنجا دیگر کسی حالش دلش بد نبود و هر قطره عرق در راه حسین گویی عطر مشکی بود که هرکسی از آن لذت می
برد

چای تلخی که با عشق حسین شیرین می شود و چشمانی اشک آلود که جز کربلا جای دیگری را نمی دید
راستش من هم دلم را جا گذاشتم ، در بین آن دو بهشتی که خدا روی زمین قرار داده
حسین جان

دستم را بگیر و از این ظلمت نجاتمان بده ، حالا که دلهایمان به تو پناه آورده است ، پناهمان باش
حسین جان

حالا که آسمان و زمین برایت خون گریه می کنند ، تو دل های خونین را دریاب
آنها یا حسین هایشان را با امید می گویند
و تو نیز امیدشان را ناامید نکن.

سپیده خادمی

جهان پیش چشم آسمان مجنون شد ، به هنگامی که سرو قدی چو سالار شهیدان غوطه ور در خون شد ،
خود با هفتاد و دو یار باوفایش میان دشت بلا به چشم خویشتن دیدند کوفیان بی وفا را
بدیدند بندگان دنیا را ، خدا و آخرت ها را به زر بفروختند هیئات ، که ماند تنها اولاد پیمبر میان
بی وفایان دوست ، که یزدان دار دنیا را زمین بازگشت گرداند ، بدا به حال آنانی که در عمر
دنیايي همیشه بودن را خیال آرزو دارند.

علیرضا جعفری

یه جایه تو دنیا همه بر اش می میرن
تموم حاجتا رو همه ازش می گیرن
بین دو نهر آبه ، یه سرزمین خشکه
شمیم باغ و لاله اش خوشبو ز عطر مَشکِه
شَبای جمعه زهرا زائر این زمینه
سینه زن حسینه ، یل ام البنینه...ه

حسین همیشه پیش روی بقیه بود نه پشت سرشان، همیشه پناهگاه دیگران بود نه در پناهِشان، همان طور که شایسته امام است. در کربلا هرکدام از یارانش که می افتادند و صدایشان در می آمد، حسین را صدا می زدند و دوست داشتند سرشان را بگ دارند روی پای کسی که همیشه در همه چیز از آنها جلو بوده است. خودش اما چه کسی را باید صدا می زد وقتی روی زمین افتاده بود؟

✘خدایا راضی ام به رضایت و تسلیم به قضایت، معبودی جز تو نیست ✘
و شاید حضرت حق در جواب زمزمه های حسین جواب می داده (وَاضْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِ) -
یا می گفته بیا

(اَرْجِعِ اِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً)

-برشی از کتاب قصه کربلا

-برش هایی از زندگی امام حسین (ع) از آغاز تا پرواز

-مهدی قزلی

-ارسالی: فرناز تقی پور حقیقی

آنجا که اشک پای غمت پا گرفت و بعد
بغضی میان سینه من جا گرفت و بعد
وقتی که ذوالجناح بدون تو بازگشت
این دخترت بهانه بابا گرفت و بعد
ابری سیاه بر سر راهم نشسته بود
ابری که روی صورت من را گرفت و بعد
انگار صدای مادری دلخسته می رسید
آری صدای گریه ی زهرا گرفت و بعد
همراه آن صدا تمامی کودکان
ذکر محمدا و خدایا گرفت و بعد
هر کس که زنده بود از اهل خيام تو
مویه کنان شد و ره صحرا گرفت و بعد
دور از نگاه علمدار لشکرت
آتش به خیمه های تو بالا گرفت و بعد
پس بر سنان کنند سری را که جبرئیل
شوید غبار گیسویش از آب سلسبیل



موکب دانشجویان تمدن ساز